

نویسنده : سونالی کول هاتکر (Sonali Kolhatkar).
منبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کلیرنگ هوز «2015-7-30».
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

مادر افغانستان دوباره و دوباره شکست خوردیم

We Have Failed Afghanistan Again and Again

درگذشت رهبر طالبان ملا محمد عمر در سال «2013» طی این هفته تایید شد. که شاید نشانه ای از ختم جنگ ایالات متحده امریکا در افغانستان باشد ولی سرنوشت چنان رقم زده شد که مسولین اصلی حمله (9/11) این دور رهبر عمده هریک «اوسامه بن لادن» و «ملا محمد عمر» بمثابه نقطه عطف شنا سایی شد. لهدا بجا است که از سرشت جنگ مخرب ایالات متحده امریکا مبنی به ظهور بسیاری از دشمنان نیرومند جدید اظهار تشکر صورت گیرد.

ایالات متحده امریکا اولین بار بعد از رخداد «9/11» در ماه اکتوبر «2001» جنگ را در افغانستان براه انداخت که میتوان این اقدام را به حیث نماد بزرگی از شکست سیاست خارجی ایالات متحده امریکا شمرد. چهارده سال قبل آتش جنگ در افغانستان ناشی از اختلاف بین دوجناح افراطی بی رحم و وحشی صفت یعنی طالبان و ایتلاف شمال درگرفت ولی اکنون افغانستان در آتش جنگ ناشی از اختلافات بین چهار جناح اعم از طالبان - جنگ سالاران دولتی زاده شده از ایتلاف شمال، نیروهای نظامی امریکا مقیم در افغانستان و دولت اسلامی داعش.

رویداد مهم دیگر قابل تذکر اینکه تنها چند ماه قبل از انتقال مسالمت آمیز قدرت در افغانستان برای اولین بار ظاهراً با رعایت اصول دموکراسی و با تعهد آینده ای بهتر افغانستان در تحت زعامت «اشرف غنی» تحصیل یافته ایالات متحده امریکا صورت گرفت و ایالات متحده امریکا نیروهای نظامی خود را از افغانستان فراخواند و از جانبی هم کشورهای شامل پیمان اتلانتیک شمالی «ناتو» قبلاً آغاز به خروج نظامیان خود از افغانستان نموده بود. تلاش و حمایت دولت از روند مذاکرات صلح با طالبان به نوید فراهم آوری و تامین ثبات در افغانستان برای ملت خسته از جنگ ارمغان بهتری میتواند باشد چونکه این

ملت رنج کشیده از جنگ خواهان صلح میباشند اما خورشید این آینده در آسمان این کشور هرگز طلوع نخواهد کرد اما آنچه راکه بعنوان پیشرفت به امید تامین صلح پیگیری می نمایند به جز از یک نماد چیزی دیگری نمیتواند باشد .

خبر غم انگیز و تاثر آور اینکه موتور سیکلت حامل یک بمب گذار انتحاری بتاريخ «22» جولای در بازار مزدحم ولایت فاریاب واقع در شمال غرب کشور با پاره کردن و کشودن رهرو در صفوف مردم بعد از انفجار «25» نفر را محکوم به مرگ وده ها نفر دیگر را مجروح ساخت ، این حمله و عملیات توسط یک باند ویا گروهی طالبان تشنه بخون و طرفدار جنگ و خشونت فقط یک هفته بعد از آن حمله ای بی شرمانه طالبان که در پایتخت یعنی در کابل بمنظور از بین بردن منسوبین آژانس اطلاعاتی دولت صورت گرفت منتج به مرگ یک نفر و مجروح شدن چندین نفر دیگر گردید بوقوع پیوست . و نباید فراموش کرد که حملات خشم الود طالبان طی همین سال در گوشه و کنار کشور بیشتر گردیده است .

تبلیغات گروهی که ممکن در جلسه روند مذاکرات صلح با هیئات افغانی طوریکه شاید در ماه جولای تدویر گردد شرکت نمایند (طوریکه این روند مذاکرات حسب راپورهای رسیده از طرف ملا عمر مورد تایید و تمجید قرار گرفت در حالیکه نامبرده دوسال قبل چشم از این جهان پوشیده) جریانی است که روند دوم این مذاکرات صلح به میزبانی و حمایت همسایه افغانستان یعنی پاکستان در یکی از محلات مناسب پاکستان تدویر خواهد یافت ، اجندا تفصیل موضوع با دلایل چند مخفی نگهداشته شده است گرچه ممکن هیئات طالبان درخواست مبنی بر آزادی سفر و گشت و گذر رهبران و تاسیس دفتر شان در کشور خلیج پیشنهادی به اعضای جلسه خواهند نمود . و از اشتراک زن در جلسه که در نظر است دایر شود امتناع خواهند کرد زیدو بطرف حق و حقوق زنان استخوانی پرتاب خواهند کرد چونکه در نظر است تا در روند مذاکرات صلح بین افغانستان و طالبان هیئات زنان افغانستان نیز در رو در رو با افراطیون زن ستیز به پای میز مذاکره بنشینند .

دولت افغانستان به نسبت آنکه نیروهای نظامی اش تحت شماری از فشارها قرار دارد ممکن طرحی را مبنی بر قطع جنگ و برقراری آتش بس به جانب هیئات طالبان پیشکش نماید و توافق آنها را درین مورد تقاضا نماید . گرچه

با وجود این همه فشار هاریس جمهور آقای «اشرف غنی» حین مصاحبه اش در ماه مارچ با افتخار خاطر نشان نمود که «تا همین اکنون هیچ یک از ولایت های ما سقوط نکرده و هیچ یک بطلیون ویا بارک های نظامی ما از سربازان ما تخلیه نشده است و هیچ یک عسکر ما در سنگر جنگ خسته نشده و از عرصه جنگ فرار نه نموده و سنگرش را به دشمن خالی نکرده است که این خود مایه افتخار و سرفرازی ما در مقابل دشمنان ما میباشد. او در حین صحبت خود علاوه نمود که در اثر سعی و تلاش منسوبین و سربازان اردوی ملی و پولیس ملی ما توانستیم که انتخابات را در فضای امن و مصونیت به پایان رسانیم و همچنان این اردوی ملی ما است که اکنون از حالت دفاعی به حالت تهاجمی رسیده اند»

اما عیبرغم این همه موفقیتها باز هم سربازان اردوی ملی و نیروهای پولیس محلی افغانستان ناشی از تلفات زیات رنج بیشتر می کشند چنانچه طی همین سال تقریباً «4000» سرباز اردوی ملی جان های شریں خود را از دست داده اند که بیشتر این تلفات توسط حملات گوریلائی طالبان صورت گرفته است بعضی از سربازان اردوی ملی در هنگام جنگ و برداشت زخم نتوانسته اند از میدان متارکه بخاطر زنده ماندن شان خارج شوند ویا جان به سلامت برند ویا در اثر بعضی دسایس در محاصره دشمنان قرار گرفته اند. بگونه مثال میتوان از پایگاه ارتش ملی واقع در ولایت بدخشان یاد کرد که (100) نفر افسر پولیس در محاصره نیروهای طالبان قرار گرفتند ویا اینکه نیروهای امریکایی نه تنها عامل کشتار طالبان می باشند بلکه سربازان اردو و پولیس ملی را نیز عمداً ویا سهواً به قتل میرسانند مثلیکه در ولایت لوگر در جولای همین سال با پرتاب بمب در (22) پرواز هلیکوپترهای شان جان هشت نفر سربازان اردوی افغانستان را گرفتند و آنها را به قتل رسانیدند.

بر اساس اسناد درست داشته و مستند مبنی بر از دست دادن نبرد - دولت اشرف غنی تحت حمایه ایالات متحده امریکا در کابل ویا بهتر است گفته شود ریس جمهور محمد اشرف غنی وادار به آن شد تا از جنگ سالاران قدیم و کهنه کار درخواست کمک نماید آنطوریکه نیویارک تایمز این درخواست «غنی» را به وجه درست آن اینطور تعریف نموده است **(ستراتیژی مملو از خطرات)** طالب کمک از همان جنگ سالارانی که توسط نیروهای ایالات متحده امریکا از قبل مسلح و آموزش دیده بودند یا همان جنگ سالارانی که با در دادن

آتش جنگ میهنی در اوایل سال (1990) کشور را مواجه به سقوط نمودند و مردم رابه خاک و کون کشانیدند و هرگز کسی و یا مقامی پیدا نشدکه آنها را نسبت به انجام همچو جنایات شان باز پرس نماید و یا به محکمه ای عدل بکشاند بلکه برعکس همین جنگ سالاران مکار و مجرم با ما ست مالی ها و تزویر و سبوتاز در مقامات دولتی راه یافتند و برکرسی های بلند قدرت دولتی تکیه زدند و اکنون بعد از یک تنزیل موقوف گذرادوباره در انتظار اخذ قدرت رسمی از دست رفته ای شان میباشند که این فرصت را آقای محمد اشرف غنی ریس جمهور افغانستان به آنها عطا نموده است . که بهترین نمونه و یا نماینده ای این جنگ سالاران را میتوان معاون اول ریس جمهور افغانستان آقای عبدالرشید دوستم نام برد کسیکه ولایت فاریاب را از سلطه طالبان بالاثر حمایت و کمک ملیشه های خود دوبار متصرف شد و کسیکه در راس قومانده در هنگام پسگیری این ولایت قرار داشت یا کسیکه دست اش در اکثریت جرم و جنایات و کشتار جمعی زیدخل است- نباید فراموش کرد که همچو فعالیتها و دست درازی ها که همین اکنون توسط همان جنگ سالاران راه اندازی میشود هما نسان و یا تکرار اغاز جنگ داخلی است که ایالات متحده امریکا با تجاوز و هجوم اش طی سال (2001) به اختلافات قومی و اتنیکی دامن زد و جنک خونین داخلی را با مواجهه ساختن تشنه گان قدرت و جنگ رویا روی را توسط همین جنگ سالاران شعله و رساخت و کشور را به نابودی کشاند.

یا آنطوریکه در همین سال ایالات متحده امریکا بطور چشمگیر به حملات هوایی خود در گوشه و کنار کشور سرعت بخشیده بیدون چشم انداز آنکه جنگ ممکن اغاز شود چنانچه قرار گذارشات رسیده این حملات هوایی در ماه جون چند چندان گردید فسمیکه با همچو حملات هوایی در لوگر جان (8) نفر سرباز اردوی ملی را گرفت فسمیکه از مرگ این هشت نفر سرباز اردوی ملی قبلاً یاد اور شدیم . در حمله دیگر هوایی نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا عضو برجسته از سازمان القاعده بنام عبدالخلیل السودانی در ولایت پکتیکا کشته شد که واکنش وزیر دفاع ایالات متاحده امریکا آقای اشتون کارتر در این مورد با مباحثات همراه بود طوریکه او طی یک صحبت خود اظهار داشت : که ایالات متحده امریکا علیه تمام افراطیون و افراط گرایان که خشونت می افرینند در منطقه و در سراسر گیتی مبارزه خواهد کرد.. از سوی دیگر

ایالات متحده امریکا با کشتن و از بین بردن حفیظ سعید در اوایل ماه جولای که در ولایت ننگرهار بوقوع پیوست به اعتبار خود تا اندازه ای افزود و حفیظ سعید یکی از ارشدترین رهبران طالبان قبل از فرارش به منسوبین دولتی اسلامی «داعش» بود. سه رهبر دیگر مربوط دولت اسلامی نیز با پرتاب بمب توسط هواپیما های بیرون سرنشین ایالات متحده امریکا کشته شدند که خبر کشته شدن آنها از طریق رسانه ها منتشر شد. با اذعان کمی رسمی یا به ادعای تا یک اندازه رسمی ایالات متحده امریکا در افغانستان یک دشمن جدید دیگری علیه خود خلق کرد که بموجب آن میخواید از آن کشور خارج شود.

با ایجاد و یا ظهور دولت اسلامی «داعش» یک فصل وحشتناک جدید در افغانستان کشوده شد و گروهک های پشت سرهم به روی صحنه در ماه سپتمبر گذشته عرض وجود نمودند و اعضای آن در کنار طالبان واقع در ولایت غزنی هنگامیکه می جنگیدند صد نفر را گردن زدند و کشتند با وجود همسان بودن طریقت مذهبی شان با داشتن باور و هویت مسلمان سنی بودن با طالبان و از سوی دیگر چنین به نظر میرسد که دوات اسلامی همین اکنون در افغانستان یک دولت ناخواسته پنداشته میشود چنانچه در ماه جون طالبان به رهبری دولت اسلامی آقای ابوبکر البغدادی هشدار باش دادند که دخالت شما در افغانستان باعث خونریزی خواهد شد که مسول شما خواهید بود.

اکنون روشن شده است که اداره اوباما تأثیرات سیاست اش را در افغانستان نادرست محاسبه نموده بود به نحوی که بعضی از ستراتیژیست های ایالات متحده امریکا به این تصور اند که پس از گذراندن بیش از یک دهه تحریک و خشونت و حمایتی که ایالات متحده امریکا از چهره های غیر دموکراتیک (همسان و همگون سیاست بوش) در افغانستان نمود اکنون میخواید به ساده گی از آن بگذرد و در پی تامین صلح و ثبات سیاست شکیبای و تحمل را دنبال نماید روی این منظور رئیس جمهور اوباما به نسبت به تعویق گذاشتن سربازان خود چنین اعلام کرد و گفت: به تعداد (9800) سربازان ما تا ختم همین سال در افغانستان باقی خواهند ماند ولی از آنجاییکه وضع و حالات در افغانستان دگرگون شده است از مطالعه وضع چنین میتوان برداشت کرد که اگر در حضور نیروهای ایالات متحده امریکا در افغانستان هرج و مرج حکمفرما بود پس در صورت خروج آنها بیشتر به خشونت دامن زده خواهد شد.

نقطه قابل تذکر اینکه در طول چهارده سال اشغال افغانستان و تحمیل جنگ فرسایشی ایالات متحده امریکا یکی از طولانی ترین جنگ ها در تاریخ جنگ های امریکا میباشد با صرف بیلون ها دالر به جز از خونریزی که با خود در این کشور همراه داشت دگر هیچ دستاورد قابل ملاحظه ای برای این ملت بخون غلطیده با خود به ارمغان نیاورد . ناخوشی و موضوع قابل تاجر اینکه ایالات متحده امریکا سال گذشته بزرگترین سهم از کمک های بوجه خارجی خود را برای پیشبرد پروژها در افغانستان تمویل نمود که میتوان از رقم مبلغ (10) بیلون دالر اضافی که بمنظور تربیه و آموزش منسوبین و سربازان اردوی ملی بمصرف رساند یاد کرد ولی با آنهم وقتی که وضع و حالت اردوی ملی ملاحظه میشود از آن چنین برداشت صورت مگیرد که مصرف این هزینه ای قابل ملاحظه بدان میماند که آن همه پول ها را در آب ریخته اند . نظر به گذارش و بررسی عده ای از ژورنالیست های پژوهشگر چنین هویدا شد که مبالغ هنگفت کمک های شرکت های غیر انتفاعی ایالات متحده امریکا که قرین به میلیون ها دالر میشود صرف اعمار و ساخت دیوها و هنگرها شده که بعد از تکمیل و اعمار مورد استفاده هیچ یک از نهادها قرار نگرفت و یا اعمار منازل رهائشی که برای فامیلهای نظامیان اختصاص داده شده بعد از تکمیل و ساختمان هرگز این خانه های رهائشی مورد استفاده فامیلهای قرار نگرفت و یا مبالغ هنگفتی را که برای پیشبرد پروژه های انکشافی در نظر گرفته شده بود آن هزینه ها دست ناخورده باقی ماند و یا که در موعده معینه نسبت به عدم احساس مقام مسول به مصرف نرسید و یا اینکه تا همین اکنون روشن نگردید که اعمار همچو منازل و هنگرها و تاسیسات بویژه ساخت هنگرها در قندهار به هزینه ای بیش از «7،14 میلیون دالر» که ایا این تاسیسات به درخواست دولت افغانستان صورت گرفت و یا اینکه خود سرانه به اعمار همچو پروژها پرداخته شده است .

افغان های عادی و یا آنها یکه از دایره و عرصه جنگ بیرون مانده اند و یا کسیکه بالای آنها حساب نمیکند نسبت به ادامه جنگ ها از چندین دهه به اینطرف رنج و عذاب میکشند و از جانب دیگر به ارتباط به تعویق گذاشته شدن خروج نیروهای نظامی امریکا از افغانستان ریس جمهور اقای اوباما گفت :
«ماموریت نظامیان ما در افغانستان ممکن به پایان رسیده باشد ولی تعهد ما با

مردم افغانستان تا هنوز بقوت خودباقی مانده است و برای ماقابل تحمل میباشد « حال آنکه این افغان ها هستند که در مقابل همه این نابسامانی ها و پرابلم ها تحمل می نمایند و یا تحمل افغانهای بیخانه و کاشانه مانند افغانهای فقیر و نادار هزاره که در بامیان در محله ای مجسمه های بودا مجسمه های که توسط طالبان در سال (۲۰۰۱) تخریب و منهدم گردید تا جایکه توجه همه جهان را بخود معطوف نموده بود امروز در آن مغاره ها مردم بی خانه و کاشانه ای افغان های هزاره زندگی می کنند و یا تحمل فامیل های افغان که فرزندان و اقارب شان به نسبت فقر و تنگدستی آواره گی را قبول میکنند و از طریق دریای مدیترانه سوار بر کشتی به دیار بیگانگان عزم سفر میکنند و ترجیحاً میخواهند که در کشورهای اروپایی به صفت مهاجر پذیرفته شوند و یا تحمل زنان در افغانستان که در زیر بار قوانین مستبدانه همچو بنده و کنیز با قبولی رنج و محرومت از هر نوع آزادی زنده گی میکنند و آن وعده ها را که دولت مبنی بر رفع یک سلسله محدودیت ها و مقرراتیکه طالبان بالای این قشر محروم جامعه وضع کرده بودند در انتظار برآورده شدن آن وعده ها اند که تا حال دولت به وعده های خود وفا نکرده است و این زن افغان است که با قبولی تمام محدودیت ها الزاماً زندگی می نمایند و هر لحظه خطر نابودی خود را احساس میکنند چنانچه خانم فرخنده را در شهر کابل با بستن تهمت الحاد بالای آن تحت لٹ و کوب گرفتند و آنرا در ملای عام و در روز روشن به قتل رساندند این را میتوان تحمل و شکیبایی این قشر ناتوان و نصف نفوس جامعه افغانی به تعریف گرفت نه آن تحملی را که آقای اوباما از آن یاد میکند .

فلهذا با در نظر داشت آن همه پرابلمها که از آن در فوق یاد کردیم بمان نشان میدهد که ما بار دوم و یا بار بار در افغانستان شکست خورده ایم و یا ادامه همین سیاست مملو از اشتباه و غلطی که باعث ناکامی ما در ابتدا گردید نمایانگر آنست که ایالات متحده امریکا چانس کم ترک افغانستان را در حال و احوال و شرایط بهتر نسبت به زمان جنگ دارد .

با تقدیم احترامات